

ایلیا - شماره دو

ویژگی‌های پیامبرانه

Jeff Pippenger

2023-09-27

در مقاله پیشین، ایلیا را به‌عنوان یک نماد شناسایی کردیم. بر اساس قواعد و بلیام میلر، «نمادها» می‌توانند بیش از یک معنا داشته باشند. بنابراین، ایلیا به‌عنوان یک نماد می‌تواند نماینده یکی از دو بخش نماد دوگانه ایلیا و موسی نیز باشد. این نماد دوگانه ایلیا و موسی در سراسر کتاب مکاشفه جریان دارد، و نامطمئن بودن نسبت به اینکه این نماد دوگانه چه چیزی را نمایندگی می‌کند، به معنای نامطمئن بودن نسبت به پیامی است که در کتاب مکاشفه، درست پیش از پایان مهلت، مهر آن گشوده می‌شود. از این رو، اکنون به‌طور مشخص به برخی ویژگی‌های نبوی که با نماد ایلیا شناخته می‌شوند می‌پردازیم.

برای اثبات آن ویژگی‌های پیامبرانه، سه شاهد اصلی داریم. آن شاهدان عبارت‌اند از الیاس نبی، یوحنا تعمیددهنده و ویلیام میلر که بنا بر الهام، نمادهایی قابل جایگزینی به‌شمار می‌آیند.

هزاران نفر هدایت شدند تا حقیقتی را که ویلیام میلر موعظه می‌کرد بپذیرند، و خادمان خدا در روح و قدرت ایلیا برخیزانده شدند تا پیام را اعلام کنند. همچون یحیی، پیشاهنگ عیسی، کسانی که این پیام خطیر را موعظه می‌کردند خود را ناگزیر می‌دیدند که تبر را بر ریشه درخت بگذارند و مردم را فراخوانند تا میوه‌هایی شایسته توبه بیاورند. شهادت آنان چنان بود که کلیساها را بیدار سازد و به‌گونه‌ای نیرومند بر آنان اثر بگذارد و ماهیت واقعی‌شان را آشکار کند. و چون هشدار خطیر برای گریختن از خشم آینده طنین‌انداز شد، بسیاری از کسانی که به کلیساها پیوسته بودند، پیام شفابخش را پذیرفتند؛ پس‌رفت‌های خود را دیدند و با اشک‌های تلخ توبه و رنج عمیق جان، خود را در برابر خدا فروتن ساختند. و چون روح خدا بر آنان قرار گرفت، به طنین‌انداختن این ندا یاری رساندند: «از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است.» نوشته‌های نخستین، ۲۳۳.

به ایلیا، یحیی تعمیددهنده و میلر روحی خاص عطا شده بود که کارشان را هدایت و تعریف می‌کرد. شهادت آنان "چنان تنظیم شده بود که کلیساها را بیدار کند و به نیرومندی بر آنها اثر بگذارد و آشکار سازد" "سرشت واقعی" آن کلیساها را. چه در زمان آخاب، چه در روزگار یحیی تعمیددهنده و چه در عصر ویلیام میلر، کلیساهایی که مخاطبشان بودند همگی گرفتار کوری لاودیکیه‌ای بودند که چنان عمیق و تاریک بود که پیام لازم بود به صراحت نهادن "تبر بر ریشه درخت" باشد. این پیام شامل اعلان پایان مهلت فیض نیز می‌شد که در مورد یحیی تعمیددهنده همان هشدار "غضب"ی بود که "در راه" بود. پیام میلر که اعلام می‌کرد: "از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا که ساعت داوری او رسیده است"، نیز هشدار دربارۀ غضب آینده بود.

صدای یوحنا چون شیپور برکشیده شد. مأموریت او این بود: «قوم مرا از عصیان‌شان و خاندان یعقوب را از گناهان‌شان آگاه ساز» (اشعیا ۵۸:۱). او هیچ‌گونه تحصیلات بشری کسب نکرده بود. خدا و طبیعت آموزگاران او بودند. اما لازم بود کسی پیشاپیش مسیح راه را آماده سازد؛ کسی آن قدر جسور که صدای خود را همچون پیامبران روزگار کهن به گوش برساند و آن قوم منحط را به توبه فراخواند. پیام‌های برگزیده، کتاب ۲، ۱۴۸.

ایلیا فرمان داد که نسل او در همان روز میان خدمت به خدا یا بعل یکی را برگزینند، و آن نسل هیچ پاسخی نداد، که این به منزله انتخاب بعل است.

هرگز مانند همین زمان، نیاز به هشدارها و توبیخ‌های امینانه و برخورداردی دقیق و صریح بیشتر نبوده است. شیطان با قدرتی عظیم فرود آمده است، زیرا می‌داند که وقتش کوتاه است. او جهان را با افسانه‌های دلپسند غرق می‌کند، و قوم خدا دوست دارند سخنان نرم و خوشایند به آنان گفته شود. گناه و شرارت منفور شمرده نمی‌شوند. به من نشان داده شد که قوم خدا باید تلاش‌هایی استوارتر و مصمم‌تر به کار بندند تا تاریکی در حال هجوم را عقب برانند. کار موشکافانه روح خدا اکنون بیش از هر زمان دیگر مورد نیاز است. بلاهت باید از خود تکانده شود. باید از رختی که اگر در برابرش مقاومت نکنیم به هلاکت ما خواهد انجامید، بیدار شویم. شیطان نفوذی نیرومند و مسلط بر اذهان دارد. واعظان و مردم در خطر آن‌اند که در جانب قدرت‌های تاریکی قرار گیرند. اکنون چیزی به نام موضع بی‌طرف وجود ندارد. همه ما یا قاطعانه جانب حق را می‌گیریم یا قاطعانه با باطل هستیم. مسیح فرمود: «هر که با من نیست بر ضد من است؛ و هر که با من جمع نمی‌کند، پراکنده می‌سازد.» شهادت، جلد ۳، صفحه ۳۲۷.

یوحنا «قوم منحط تاریخ خود» را «افعی‌زادگان» نامید. پیروان میلر سرانجام «قوم منحط تاریخ خود» را «دختران بابل» دانستند. خواه ایلیا، خواه یوحنا یا میلر، هیچ‌یک از این سه تن الهی‌دان نبودند. همه آنان از میان عرصه‌های عادی زندگی فراخوانده شدند.

حقیقت، همان‌گونه که در عیسی است و او آن را زمانی که ابر نرم و پُریشت او را در بر گرفته بود اعلام کرد، در همین روزگار ما نیز راستی و حقیقت است و به همان یقینی ذهن پذیرنده را دگرگون خواهد ساخت که در گذشته اذهان را دگرگون ساخته است. مسیح فرموده است: «اگر به موسی و پیامبران گوش ندهند، حتی اگر کسی از مردگان برخیزد نیز قانع نخواهند شد.» (لوقا ۱۶:۳۱).

به‌عنوان یک قوم، باید زیر هدایت حاکم روح‌القدس، راه خداوند را برای گسترش انجیل در پاک‌ی آن آماده کنیم. نهر آب حیات در مسیر خود باید عمیق‌تر و پهن‌تر شود. در همه عرصه‌ها، نزدیک و دور، مردمان از پشت‌گاوآهن، و نیز از پیشه‌های رایج بازرگانی و کسب‌وکار که عمدتاً ذهن را به خود مشغول می‌سازند، فراخوانده خواهند شد و در پیوند با مردانی که تجربه داشته‌اند—مردانی که حقیقت را می‌فهمند—تعلیم خواهند دید. از طریق شگفت‌انگیزترین کارهای خدا، کوه‌های مشکلات برداشته شده و به دریا افکنده خواهند شد. بیایید همچون آنان که فضیلت حقیقت را چنان‌که در عیسی است آزموده‌اند، به کار و تلاش بپردازیم.

قرار است در این دوره رشته‌ای از رویدادها رخ دهد که آشکار خواهد کرد که خداوند بر اوضاع مسلط است. حقیقت با زبانی روشن و بی‌ابهام اعلام خواهد شد. کسانی که حقیقت را موعظه می‌کنند خواهند کوشید حقیقت را با زندگی‌ای منظم و گفتاری خداپسندانه نشان دهند. و چون چنین کنند، در دفاع از حقیقت نیرومند خواهند شد و آن را به همان شیوه‌ی استوار به کار خواهند بست که خدا برای آن مقرر کرده است.

«وقتی مردانی که حقیقت را شناخته و تعلیم داده‌اند، به فهم انسانی روی می‌آورند و به ذهن‌های فریب‌خورده خوراکی از افسانه‌های ساخته خود می‌خورانند، وقت آن رسیده است که آنان که زمانی در خدمت بشارتی کار می‌کردند اما به مدیریت رستوران‌ها، فروشگاه‌های مواد غذایی و دیگر رشته‌های بازرگانی کشیده شده‌اند، به صف بیایند، کتاب مقدس خود را با جدیت مطالعه کنند و با کلام خدا در دست، حقیقت کتاب مقدس، یعنی غذای روحانی را، با همکاری فرشتگان آسمانی، توزیع کنند. این خدمت اکنون به شدت خواستار کارگرانی است که از سوی خدا منصوب شده‌اند. آنگاه قادر مطلق به کوه‌های مشکلات خواهد گفت: کنده شو و به دریا افکنده

شو. «مجموعه پالسن، ۷۳، ۷۴.

الیاس، یوحنا و میلر کسانی بودند و بدین سان نمایانگر مردانی هستند که از «مشاغل» «معمولتر» فراخوانده می‌شوند، زیرا «آن مردانی» که پیش‌تر حقیقت را تعلیم داده بودند، در نهایت «به فهم انسانی رو می‌آورند و به ذهن‌های فریب‌خورده خوراک افسانه‌های خود را می‌دهند.» مردان معمولی‌ای که فراخوانده می‌شوند، «تطبیق یقینی» نبوت کتاب مقدس را چنان که «خدا آن را عطا کرده است» ارائه خواهند داد. در آن بخش، خواهر وایت دوبار «کوه‌ها» را «کوه‌های دشواری» شناسایی کرد. کار این مردان شامل هموار کردن «هر کوه» بود. کاری که به دست مردان معمولی‌ای که از پشت گاوآهن شرایط فروتنانه فراخوانده شدند انجام می‌شود، نمایانگر کار شناسایی روش‌شناسی درست کتاب مقدس است، در تقابل با خوراک‌های افسانه‌های انسانی که از سوی الهی‌دانان آن زمان پخش می‌شود.

کار یحیی تعمیددهنده و کار کسانی که در ایام آخر با روح و قدرت ایلیا بیرون می‌روند تا مردم را از بی‌تفاوتی‌شان بیدار کنند، در بسیاری جهات یکسان است. کار او نمونه کاری است که باید در این عصر انجام شود. مسیح بار دوم خواهد آمد تا جهان را به عدالت دآوری کند. فرستادگان خدا که حامل آخرین پیام هشدار برای جهان‌اند، باید راه را برای بازگشت دوم مسیح آماده کنند، چنان که یحیی راه را برای آمدن نخستین او آماده کرد. در این کار آماده‌سازی، «هر دره‌ای بلند خواهد شد، و هر کوهی پست خواهد شد؛ و آنچه کج است راست خواهد شد، و جاهای ناهموار هموار خواهد شد.» زیرا تاریخ قرار است تکرار شود، و بار دیگر «جلال خداوند آشکار خواهد شد، و همه بشر با هم آن را خواهند دید؛ زیرا دهان خداوند چنین گفته است.» Southern Watchman, March 21, 1905

ویژگی‌های سه مصلح که اشعیا برشمرده است این است که هر دره‌ای بلند گردد، هر کوهی پست شود، کجی‌ها راست گردد و ناهموارها هموار شود. راه خداوند که با بلند کردن دره‌ها، پست کردن کوه‌ها و راست کردن کجی‌ها و هموار کردن ناهمواری‌ها آماده می‌شود، همان راه‌های کهن است.

آواز کسی که در بیابان فریاد می‌زند: راه خداوند را مهیا کنید؛ در صحرا برای خدای ما شاهراهی راست بسازید. هر دره‌ای برافراشته خواهد شد، و هر کوه و تپه‌ای پست خواهد شد؛ کج‌ها راست خواهد شد، و جاهای ناهموار هموار خواهد شد. و جلال خداوند آشکار خواهد شد، و تمامی بشر با هم آن را خواهند دید؛ زیرا که دهان خداوند چنین گفته است. اشعیا ۴۰:۳-۵

وقتی یهودیان اهل جدل از یوحنا تعمیددهنده پرسیدند آیا او همان ایلیا است که باید می‌آمد، او پاسخ داد که نیست، اما سپس خود را با بخشی از کتاب اشعیا منطبق دانست.

و این است شهادت یوحنا، هنگامی که یهودیان از اورشلیم کاهنان و لایوان را نزد او فرستادند تا از او بپرسند: «تو که هستی؟» و او اقرار کرد و انکار نمود، بلکه اقرار کرد: «من مسیح نیستم.» از او پرسیدند: «پس چه؟ آیا تو ایلیا هستی؟» گفت: «من نیستم.» «آیا آن نبی هستی؟» پاسخ داد: «نه.» آنگاه به او گفتند: «پس تو کیستی تا برای کسانی که ما را فرستاده‌اند پاسخی بدهیم؟ درباره خود چه می‌گویی؟» گفت: «من آواز ندا کننده‌ای هستم در بیابان: راه خداوند را راست کنید، چنان که نبی اشعیا گفت.» یوحنا ۱:۱۹-۲۳.

آماده‌سازی «راه خداوند» شیوه‌ای را مشخص می‌کند که فرشتگان میلر را هدایت کردند تا آن را دریابد و به کار گیرد، تا درک کتاب مقدسی از «راهی» را که انسان‌ها می‌بایست در آن گام بردارند، فراهم آورد. هر «کوهی» باید هموار می‌شد، زیرا کوه‌های نبوت کتاب مقدسی نمایانگر حقایقی‌اند که در نگاه نخست ظاهراً فهمشان بسیار دشوار است. برای فهم کوه مقدس پرشکوه دانیال، باب یازدهم، آیه چهل‌وپنج، که پادشاه شمال در صدد تسخیر آن است، باید نخست کوه مقدس پرشکوه واقعی در

اورشلیم را شناسایی کرد؛ کوهی که به طور نبوی کوه مقدس پرشکوه روحانی را تعریف می‌کند. برای توضیح کوهی که «آرماگدون» نامیده می‌شود، که به معنای «کوه مجدو» است، باید به مجدوی واقعی رجوع کرد. دشواری‌های نبوی که دشوار قلمداد شده‌اند، هنگامی برطرف می‌شوند که اصل اینکه آغاز چیزی پایان آن را نشان می‌دهد، به کار گرفته شود.

روش‌شناسی‌ای که به دست اشعیا نمایانده شد، یوحنا بدان اشاره کرد و میلر آن را تبیین نمود، هر دره‌ای را بلند می‌سازد. خواه «دره رؤیا» در اشعیا بیست و دو باشد، خواه «دره استخوان‌های خشک» در حزقیال، یا «دره یهوشافاط» در کتاب یوئیل، آن روش‌شناسی که بر فهم درست از شخصیت مسیح استوار است—چنان‌که در تاریخ جنبش میلریتی به عنوان «پلمونی»، شمارنده شگفت‌انگیز، و در تاریخ ما به عنوان «الفا و امگا»، زبان‌دان شگفت‌انگیز، معرفی شده است—همان است که حقایق نبوی نمایانده شده در «دره‌ها»ی کلام خدا را رفعت می‌بخشد.

کجی‌هایی که باید راست شوند و ناهمواری‌هایی که باید هموار شوند، بیانگر کار اصلاح رسوم و سنت‌هایی هستند که از سوی یک روحانیت لاودکیه‌ای به کار گرفته می‌شوند تا خوراک‌های زهرآلود افسانه‌هایشان را پایدار نگه دارند. کار ایلیا به طور مشخص به عنوان نمایانگر روش درست کتاب مقدسی در برابر افسانه‌های الهی‌دانان و کاهنان شناخته می‌شود. این کار را «مردمان عادی» انجام می‌دهند، نه کاهنان و الهی‌دانان تحصیل‌کرده. در ویژگی‌های نبوی این سه شاهد، این حقیقت ساده نیز هست که ایلیایی که قرار است بیاید، مرد خواهد بود.

این نکته شاید بی‌اهمیت به نظر برسد، اما چون الهی‌دانان ادونتیسیم می‌کوشند از افسانه‌های خود دفاع کنند، بخشی از نوشته‌های خواهر وایت را برگرفته‌اند که در آن به زمان آینده درباره مردی سخن می‌گوید که با روح و قدرت ایلیا خواهد آمد، و افسانه تفسیری خود را بر آن می‌افزایند و اصرار می‌کنند که خواهر وایت درباره خودش سخن می‌گفته است.

پیشگویی باید به انجام برسد. خداوند می‌گوید: «اینک، پیش از آمدن روز بزرگ و هولناک خداوند، ایلیای نبی را نزد شما خواهم فرستاد.» کسی قرار است در روح و قدرت ایلیا بیاید، [به پیوست مراجعه کنید]. و چون ظاهر شود، مردم ممکن است بگویند: «تو بیش از حد جدی هستی، کتاب مقدس را به شیوه درست تفسیر نمی‌کنی. بگذار به تو بگویم چگونه باید پیامت را تعلیم بدهی.»

بسیارند کسانی که نمی‌توانند میان کار خدا و کار انسان تمایز قائل شوند. من حقیقت را همان‌گونه که خدا به من می‌بخشد خواهم گفت و اکنون می‌گویم: اگر همچنان عیب‌جویی کنید و روح اختلاف داشته باشید، هرگز حقیقت را نخواهید شناخت. عیسی به شاگردانش گفت: «هنوز سخنان بسیاری دارم که به شما بگویم، اما اکنون تحملش را ندارید.» آنان در وضعیتی نبودند که امور مقدس و جاودان را درک کنند؛ اما عیسی وعده داد که تسلی‌دهنده را بفرستد، که همه چیز را به آنان تعلیم دهد و هرآنچه او به ایشان گفته بود به یادشان بیاورد.

ای برادران، نباید اتکای خود را بر انسان قرار دهیم. «از انسان، که نفسش در بینی اوست، دست بردارید؛ زیرا او چه ارزشی دارد؟» شما باید جان‌های درمانده خود را به عیسی بیاویزید. شایسته ما نیست که از چشمه دره بنوشیم، وقتی که در کوه چشمه‌ای هست. بگذارید جویبارهای پایین را ترک کنیم؛ به چشمه‌های بلند بیاویم. اگر نکته‌ای از حقیقت هست که آن را در نمی‌یابید یا بر سر آن هم‌نظر نیستید، تحقیق کنید، آیه را با آیه بسنجید، و چاه حقیقت را در معدن کلام خدا ژرف فرو ببرید. باید خودتان و آراءتان را بر مذبح خدا بگذارید، تصورات قبلی خود را کنار بگذارید، و بگذارید روح آسمان به تمامی حقیقت هدایت کند. Testimonies to Ministers, ۴۷۵, ۴۷۶.

کسی باید در روح و قدرت ایلیا بیاید: برخی این سخنان را به اشتباه به فردی اطلاق کرده‌اند که گمان می‌رفت پس از زندگی و خدمت خانم وایت با پیامی نبوی ظاهر شود. سه پاراگرافی که این

مقاله با عنوان «بگذار آسمان راهنمایی کند» را تشکیل می‌دهد، تنها بخش کوچکی از سخنرانی‌ای است که الن وایت صبح ۲۹ ژانویه ۱۸۹۰ در بتل کریک، میشیگان، ایراد کرد. چون این مطلب در شماره ۱۸ فوریه ۱۸۹۰ نشریه Review and Herald منتشر شد، عنوان «چگونه با یک نکته مورد مناقشه در آموزه روبه‌رو شویم» را بر خود داشت. گزیده‌های دیگری که از این مقاله گرفته شده و عمدتاً برای تکمیل برخی صفحات این مجلد به کار رفته است، در صفحات ۲۳، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۱۹، ۱۵۸، ۲۷۸ و ۳۸۶ یافت می‌شوند. این مقاله به‌طور کامل در «پیام‌های برگزیده»، جلد ۱، صفحات ۴۰۶ تا ۴۱۶ بازنشر شده است و بخشی که گزیده‌ای با عنوان «بگذار آسمان راهنمایی کند» را تشکیل می‌دهد، در صفحات ۴۱۲ و ۴۱۳ آمده است. وقتی مقاله به‌طور کامل خوانده شود، آشکار می‌گردد که الن وایت در این اظهارنظر—که اندکی بیش از یک سال پس از کنفرانس مینی‌سوتا برای گروهی در بتل کریک بیان شد—درباره خدمت خود سخن می‌گفت. برخی نسبت به کار او منتقد شده بودند. توجه کنید که الن وایت در پاراگراف پیش از آنچه در این مجلد در صفحه ۴۷۵ آمده است، می‌گوید:

«باید به وضعیتی برسیم که هر اختلافی محو شود. اگر فکر کنم نوری دارم، وظیفه‌ام این است که آن را عرضه کنم. فرض کنید درباره پیامی که خداوند می‌خواهد من به مردم بدهم با دیگران مشورت کنم؛ شاید در بسته شود و نور به کسانی که خدا آن را برایشان فرستاده است نرسد. وقتی عیسی سوار وارد اورشلیم شد، «تمام جماعت شاگردان آغاز کردند به شادی کردن و برای همه کارهای عظیمی که دیده بودند با صدای بلند خدا را ستودند و می‌گفتند: مبارک باد پادشاهی که به نام خداوند می‌آید! سلامتی در آسمان و جلال در اعلیٰ! و برخی از فریسیان از میان جمعیت به او گفتند: ای استاد، شاگردانت را تویخ کن. او پاسخ داد و به آنان گفت: به شما می‌گویم، اگر اینها خاموش بمانند، سنگ‌ها بی‌درنگ فریاد خواهند زد» (لوقا ۱۹:۳۷-۴۰).

یهودیان تلاش کردند از اعلام آن پیام که در کلام خدا پیشگویی شده بود جلوگیری کنند.

سپس دوباره به تجربه شخصی خود اشاره می‌کند:

«پیشگویی باید تحقق یابد. خداوند می‌گوید: "اینک، پیش از آمدن روز بزرگ و هولناک خداوند، ایلیای نبی را نزد شما خواهم فرستاد" (ملاکی ۴:۵). قرار است کسی در روح و قدرت ایلیا بیاید و هنگامی که ظاهر شود، ممکن است مردم بگویند: "تو بیش از حد جدی هستی؛ کتاب مقدس را به شیوه درست تفسیر نمی‌کنی."» - پیام‌های برگزیده، جلد ۱، ۴۱۲.

این که او به تجربه شخصی خود اشاره می‌کرد، از بند بعدی نیز روشن می‌شود که در آن اظهار می‌کند:

«من حقیقت را چنان که خدا به من می‌دهد، خواهم گفت...» ضمیمه «شهادت‌ها برای خادمان».

این واقعیت که الن وایت ناچار بود به افسانه‌های الهی‌دانان و رهبران زمانه‌اش پاسخ بدهد، هیچ دلیلی به دست نمی‌دهد که او خود را «مردی» معرفی می‌کرد که قرار است در آینده با روح و قدرت ایلیا بیاید. کجاست هرگونه شاهی از بسیاری مخالفان الن وایت در درون ادونتیسیم که روش کاربست کتاب مقدس او را مورد حمله قرار داده باشند؟ کجا هرگز به او گفته شد: «تو کتاب مقدس را به شیوه درست تفسیر نمی‌کنی؟» او به روشنی تصریح می‌کند که در پایان جهان جنبشی از مردم خواهد بود که با روح و قدرت ایلیا توان می‌یابند، و هیچ راه موجهی برای این ادعا وجود ندارد که او می‌پنداشت آن جنبش فریاد بلند فرشته سوم در همان زمانی در حال وقوع بود که او از ظهور آینده قدرت ایلیا پیشگویی می‌کرد. الهی‌دانان ادونتیسیت لاودیکه‌ای می‌خواهند پیروان خود را وادارند که باور کنند خواهر وایت با «اشاره» به «تجربه شخصی خود»، آن را تحقق پیامبر ایلیا می‌گرفت که قرار بود پیش از روز بزرگ و هولناک خداوند فرستاده شود.

اینک، پیش از فرا رسیدن روز بزرگ و هولناک خداوند، ایلیای نبی را نزد شما خواهم فرستاد.
ملاکی ۴:۵

یکی از ویژگی‌های پیامبرانه ایلیا، به‌عنوان یک نماد، این است که او روشی کتاب‌مقدسی عرضه می‌کند که با کهناتی که افسانه‌های برخاسته از رسوم و سنت‌ها را ترویج می‌کند، مخالفت می‌کند. کار او در آماده‌سازی راه (این است راه؛ در آن راه بروید) با روشی کتاب‌مقدسی انجام می‌شود که با تعالیم یک کهنات فاسد در تضاد است. و بر اساس شهادت سه شاهد — ایلیا، یوحنا تعمیددهنده و میلر — همراه با شهادت خواهر وایت درباره ظهور ایلیا که در آن زمان هنوز امری آینده بود، او مرد خواهد بود، نه زن. هنگامی که روش پالمونی و آلفا و امگا به‌درستی فهمیده شود، دریافته می‌شود که آن نه صرفاً مجموعه‌ای از قواعد کتاب‌مقدسی برای تفسیر کتاب‌مقدس است، بلکه بازتابی از شخصیت مسیح است که همان جلال اوست.

و جلال خداوند آشکار خواهد شد، و همه بشر آن را با هم خواهند دید، زیرا دهان خداوند این را گفته است. اشعیا ۴۰:۵

خود شخصیت مسیح در روش‌شناسی‌ای که باید برای فهم کلام او به کار گرفته شود نمایان می‌شود، زیرا او خود کلام است.

شریعت خدا در قدس آسمان، اصل بزرگ و نخستین است؛ احکامی که بر لوح‌های سنگی نقش شده و به دست موسی در پنج‌سفر تورات ثبت گردیده، رونوشت بی‌خطای آن بود. کسانی که به درک این نکته مهم رسیدند، بدین‌سان رهنمون شدند تا سرشت مقدس و تغییرناپذیر شریعت الهی را ببینند. آنان، چنان‌که هرگز پیش‌تر ندیده بودند، قوت سخنان نجات‌دهنده را دریافتند: «تا آسمان و زمین بگذرند، یک همزه یا یک نقطه نیز از شریعت به هیچ‌وجه از میان نخواهد رفت.» متی ۵:۱۸. شریعت خدا، که مکاشفه اراده او و رونوشت شخصیت اوست، باید تا ابد بپاید، «چون شاهدهی امین در آسمان». هیچ فرمانی نسخ نشده است؛ نه همزه‌ای و نه نقطه‌ای تغییر یافته است. مزمورنویس می‌گوید: «ای خداوند، کلام تو تا ابد در آسمان استوار است.» «تمامی فریاض او یقینی است؛ آنان تا ابدالآباد برقرار می‌مانند.» مزمور ۱۱۹:۸۹؛ ۱۱۱:۷؛ ۸. نبرد عظیم، ۴۳۴.

همان‌گونه که ده فرمان بیانی تغییرناپذیر از شخصیت مسیح هستند، اصول تفسیر نبوت‌ها نیز بیانی از شخصیت او هستند.

ما باید خود بدانیم که مسیحیت را چه چیزی تشکیل می‌دهد، حقیقت چیست، ایمانی که پذیرفته‌ایم چیست، و قواعد کتاب‌مقدس کدام‌اند—قوانینی که از عالی‌ترین مرجع به ما داده شده‌اند. بسیاری کسانی که بی‌آنکه دلیلی داشته باشند تا ایمان‌شان را بر آن استوار کنند، و بی‌آنکه نسبت به حقیقت امر شواهد کافی داشته باشند، ایمان می‌آورند. اگر اندیشه‌ای عرضه شود که با عقاید از پیش شکل‌گرفته خودشان هماهنگ باشد، بی‌درنگ آن را می‌پذیرند. از علت به معلول استدلال نمی‌کنند، ایمان‌شان بنیاد اصیلی ندارد، و در زمان آزمون درخواست یافت که بر ماسه بنا کرده‌اند.

کسی که به دانسته‌های ناقص و کنونی خود از کتاب مقدس قانع و آسوده می‌نشیند و می‌پندارد این برای نجات او کافی است، در فریبی مرگ‌بار آرمیده است. بسیاری هستند که به استدلال‌های کتاب‌مقدسی به‌تمامی مجهز نیستند تا بتوانند خطا را بازشناسند و همه سنت و خرافه‌ای را که به‌جای حقیقت جا زده شده است محکوم کنند. شیطان اندیشه‌های خود را در پرستش خدا داخل کرده است تا سادگی بشارت مسیح را فاسد سازد. گروه بزرگی که مدعی‌اند به حقیقت حاضر ایمان دارند، نمی‌دانند ایمان راستینی که روزگاری به مقدسان سپرده شد چیست—«مسیح در شما، امید جلال». می‌پندارند از نشانه‌های قدیم دفاع می‌کنند، اما ولرم و بی‌تفاوت‌اند. نمی‌دانند که چگونه محبت و ایمان حقیقی را در تجربه خود بتنند و از فضیلت واقعی آن برخوردار شوند.

آنان پژوهشگران دقیق کتاب مقدس نیستند، بلکه سست و بی‌اعتنا هستند. وقتی بر سر آیات کتاب مقدس اختلاف نظر پدید می‌آید، آنانی که هدفمند مطالعه نکرده‌اند و در این‌که به چه باور دارند به تصمیم نرسیده‌اند، از حقیقت منحرف می‌شوند. باید به همه ضرورت جست‌وجوی کوشایانه در حقیقت الهی را بنمایانیم تا بدانند که واقعاً می‌دانند حقیقت چیست. برخی مدعی دانش بسیارند و از وضعیت خود خرسند، در حالی که نه غیرتی برای کار دارند و نه محبتی سوزان برای خدا و برای جان‌هایی که مسیح برایشان مرد، بیش از زمانی که گویی هرگز خدا را نشناخته‌اند. کتاب مقدس را نمی‌خوانند تا لب و فربهی آن را نصیب جان خود کنند. احساس نمی‌کنند که این صدای خداست که با ایشان سخن می‌گوید. اما اگر می‌خواهیم راه نجات را بفهمیم، اگر می‌خواهیم پرتوهای خورشید عدالت را ببینیم، باید کتاب مقدس را با هدف مطالعه کنیم، زیرا وعده‌ها و نبوت‌های کتاب مقدس پرتوهای روشن جلال را بر طرح الهی رستگاری می‌افشانند؛ حقایق عظیمی که به روشنی فهم نشده‌اند. مواد ۱۸۸۸، ۴۰۳.

به‌راستی مسیحی بودن یعنی مانند مسیح بودن. این بخش بیان می‌کند که «باید خودمان بدانیم مسیحیت چیست». می‌گوید ما «باید بدانیم» «حقیقت چیست». ما «باید بدانیم» «آن ایمانی که دریافت کرده‌ایم چیست». باید بدانیم «قوانین کتاب مقدس کدام‌اند — قوانینی که از سوی عالی‌ترین مرجع به ما داده شده‌اند». برای مسیح‌مانند بودن لازم است بدانیم قوانین کتاب مقدس که از سوی عالی‌ترین مرجع به ما داده شده‌اند کدام‌اند. بدون آن قوانین نمی‌توانیم مسیح‌مانند باشیم، زیرا قوانینی که از سوی عالی‌ترین مرجع داده شده‌اند ترجمان شخصیت او هستند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایلیا، کار مهیا کردن راه برای فرستاده عهد است. ایلیا نماینده کاری است که در دوره‌ای از تاریخ انجام می‌شود که در آن قوم برگزیده پیشین کنار گذاشته می‌شود و هم‌زمان قوم برگزیده تازه‌ای برگزیده می‌شود. این تاریخ نمایانگر فرایند پالایشی است که قومی پدید می‌آورد که به‌عنوان قربانی پاک معرفی می‌شود، در تقابل با قوم برگزیده پیشین ناپاک.

اینک، من فرستاده خود را می‌فرستم، و او راه را پیش روی من مهیا خواهد کرد؛ و خداوندی که او را می‌جوید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد، همان فرستاده عهد که در او خوشی می‌یابید. اینک، او خواهد آمد، می‌گوید خداوند لشکرها. اما کیست که بتواند روز آمدنش را تاب آورد؟ و چون ظاهر شود، چه کسی می‌تواند بایستد؟ زیرا او چون آتش پالاینده است و مانند صابون رخت‌شویان. و او چون پالاینده و پاک‌کننده نقره خواهد نشست، و پسران لاوی را پاک خواهد ساخت و ایشان را مانند طلا و نقره تصفیه خواهد کرد، تا برای خداوند قربانی را به عدالت تقدیم کنند. آنگاه قربانی یهودا و اورشلیم برای خداوند پسندیده خواهد بود، چنان‌که در ایام کهن و سال‌های پیشین. ملاکی ۱:۳-۴.

یوحنا تعمیددهنده راه را آماده کرد تا مسیح ناگهان بیاید و هیکل خود را پاک کند. پاک‌سازی هیکل در آغاز و پایان خدمت مسیح، تحقق فصل سوم کتاب ملاکی بود. یوحنا همان پیام‌آوری بود که راه را برای پیام‌آور عهد آماده کرد تا پسران لاوی را تطهیر کند.

در پاک‌سازی هیکل، عیسی مأموریت خود را به‌عنوان مسیح اعلام می‌کرد و به کار خویش وارد می‌شد. آن هیکل که برای مسکن حضور الهی برپا شده بود، مقرر بود برای اسرائیل و برای جهان درس عینی باشد. از ازل اراده خدا این بود که هر مخلوقی، از سرافیم درخشان و مقدس تا انسان، معبدی برای سکونت آفریدگار باشد. به سبب گناه، انسانیت از معبد بودن برای خدا بازایستاد. دل انسان که به سبب شر تاریک و آلوده شده بود، دیگر جلال آن ذات الهی را آشکار نمی‌کرد. اما به‌واسطه تجسد پسر خدا، مقصود آسمان تحقق می‌یابد. خدا در انسانیت ساکن می‌شود و از طریق فیض نجات‌بخش، دل انسان بار دیگر معبد او می‌گردد. خدا مقرر کرده بود که هیکل اورشلیم شهادتی پیوسته باشد بر سرنوشت والایی که پیش روی هر جان گشوده است. اما

یهودیان معنای بنایی را که بدان سخت می‌بالیدند درنیافته بودند. آنان خود را همچون معابد مقدس برای روح الهی تسلیم نکردند. صحن‌های هیکل اورشلیم که از غوغای دادوستد ناپاک پر شده بود، به درستی نمایانگر معبد دل بود که به حضور امیال نفسانی و افکار ناپاک آلوده شده است. با پاک کردن هیکل از خریداران و فروشندگان جهان، عیسی مأموریت خود را اعلام کرد تا دل را از آلودگی گناه—از امیال زمینی، شهوت‌های خودخواهانه، و عادات شریرانه که جان را فاسد می‌کند—پاک سازد. «خداوندی که او را می‌طلبید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد؛ یعنی فرستاده عهدی که در او مسروید. اینک، او خواهد آمد، خداوند لشکرها می‌گوید. اما چه کسی روز آمدن او را تاب خواهد آورد؟ و چون ظاهر شود، چه کسی خواهد ایستاد؟ زیرا او مانند آتش پالاینده و مانند صابون سفیدکنندگان است. و او چون پالاینده و پاک‌کننده نقره خواهد نشست؛ و پسران لای را پاک خواهد کرد و ایشان را همچون طلا و نقره پالایش خواهد نمود.» ملاکی ۱:۳-۳:۱. آرزوی اعصار، ۱۶۱.

یوحنا تعمیددهنده پیام‌آوری بود که راه را برای آمدن ناگهانی مسیح و تطهیر هیکل او هموار کرد، و ویلیام میلر همان کار تدارک را انجام داد تا مسیح در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ناگهان وارد قدس‌الاقداس شود.

آمدن مسیح به‌عنوان کاهن اعظم ما به قدس‌الاقداس، برای تطهیر قدس، که در دانیال ۸:۱۴ بیان شده است؛ آمدن پسر انسان نزد قدیم‌الایام، چنان‌که در دانیال ۷:۱۳ ارائه شده است؛ و آمدن خداوند به هیکل خود، که ملاکی آن را پیشگویی کرده است، همگی توصیف یک رویداد واحدند؛ و این همچنین با آمدن داماد به عروسی، که مسیح آن را در مثل ده باکره در متی ۲۵ توصیف کرده است، نشان داده شده است. مناقشه عظیم، ۴۲۶.

جان و میلر نمونه آن تطهیری بودند که ملاکی به تصویر کشیده است و اکنون در تاریخ معاصر ما در حال تحقق است.

پیامبر می‌گوید: «دیدم فرشته‌ای دیگر از آسمان فرود آمد که قدرتی عظیم داشت؛ و زمین از جلال او روشن شد. و با صدایی بلند و نیرومند فریاد زد و گفت: بابل عظیم سقوط کرد، سقوط کرد، و مسکن شیاطین شده است» (مکاشفه ۱۸:۱، ۲). این همان پیامی است که فرشته دوم داد. بابل سقوط کرده است، «زیرا همه امت‌ها را از شراب خشم زناکاری اش نوشانید» (مکاشفه ۱۴:۸). آن شراب چیست؟ آموزه‌های باطل او. او به جهان سبت جعلی به جای سبت حکم چهارم داده است و همان دروغی را که شیطان نخست در عدن به حوا گفت، تکرار کرده است—جاودانگی طبیعی نفس. بسیاری خطاهای هم‌خانواده را در سراسر جهان پراکنده کرده است، «احکام انسان‌ها را به‌جای تعالیم تعلیم می‌دهند» (متی ۹:۱۵).

وقتی عیسی خدمت عمومی خود را آغاز کرد، هیکل را از بی‌حرمتی کفرآمیزش پاک ساخت. از جمله آخرین اعمال خدمت او، دومین پاکسازی هیکل بود. پس در آخرین کار برای هشدار به جهان، دو دعوت متمایز به کلیساها داده می‌شود. پیام فرشته دوم این است: «بابل سقوط کرد، سقوط کرد، آن شهر بزرگ، زیرا همه ملت‌ها را از شراب خشم زناکاری خود نوشانید» (مکاشفه ۱۴:۸). و در فریاد بلند پیام فرشته سوم، آوازی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید: «ای قوم من، از او بیرون آید تا در گناهانش شریک نشوید و از بلاپایش نصیبی نبرید. زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده و خدا شرارت‌هایش را به یاد آورده است» (مکاشفه ۱۸:۴، ۵). پیام‌های برگزیده، جلد ۲، صفحه ۱۱۸.

دو پاکسازی هیکل در دوران خدمت مسیح و دو پاکسازی هیکل در تاریخ جنبش میلریتی تحقق باب سوم کتاب ملاکی بودند و به دو پاکسازی هیکل دلالت می‌کنند که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شدند؛ زمانی که بناهای عظیم شهر نیویورک با لمسی از جانب خدا فروریخته شدند و فرشته نیرومند مکاشفه باب هجده فرود آمد تا زمین را با جلال خود روشن سازد. این امر، در کنار امور دیگر، مثنی

افسانه را که الهی‌دانان لاودیکایی ادونتیسیم عرضه می‌کنند و مدعی‌اند الن وایت همان ایلیای نبی است که باید پیش از روز بزرگ و هولناک خداوند بیاید، باطل می‌کند. پاکسازی هیכלی که هنگام نزول فرشته مکاشفه باب هجده رخ می‌دهد، هشتاد و شش سال پس از آن که الن وایت به خاک سپرده شد آغاز شد.

یوحنا تعمیددهنده و شاگردانش، میلر و میلریتی‌ها، و فیوچر فور آمریکا نمایانگر پیام‌آورانی‌اند که راه را برای پیام‌آور عهد مهیا می‌کنند تا ناگهان به هیکل خود بیاید و آن را از بی‌حرمتی کفرآمیزش پاک سازد.

ایلیا به‌عنوان نماد، نمایانگر یک مرد است. او نماینده مردی است که از دل زندگی عادی فراخوانده شده، نه یک الهی‌دان کاهنی. خدمت او روش درست کتاب مقدسی را ارائه می‌کند؛ یعنی قواعدی که از سوی عالی‌ترین مرجع داده شده‌اند. خدمت او با روش‌شناسی کهنوت لاودیکه‌ای کنونی، مبتنی بر افسانه‌ها، رسوم و سنت‌ها، در تقابل است. او راه را برای فرایند تطهیری هموار می‌کند که از میان بازمانده‌های قوم برگزیده‌ای که از آن چشم‌پوشی شده است، قوم برگزیده‌ای نو را برمی‌انگیزد. این فرایند تطهیر در چارچوب رخدادی ناگهانی تعریف می‌شود.

ایلیا همچنین نمایانگر خدمت و کاری است که خدا آن را به‌طور خاص برپا می‌کند و به‌عنوان خدمت انحصاری خود معرفی می‌کند.

در مقاله بعدی این را در تاریخ پیروان میلر نشان خواهیم داد.

و واقع شد در وقت تقدیم قربانی شامگاه که ایلیا نبی نزدیک آمد و گفت: ای خداوند، خدای ابراهیم و اسحاق و اسرائیل، امروز معلوم شود که تو در اسرائیل خدا هستی و من بنده تو هستم و اینکه من همه این کارها را به فرمان تو کرده‌ام. اول پادشاهان ۱۸:۳۶.